

ORIGINAL ARTICLE

Legal Analysis of Government Intervention in Family Planning: The Youth Population Law

Majd, Fatemeh¹, Mohammadsadegh Jamshidirad², Haydar Amirpour³, Ghasem Jafari⁴

1. Ph.D. Student in Jurisprudence and the Basics of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Jurisprudence and the Basics of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor of Jurisprudence and the Basics of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor of Jurisprudence and the Basics of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Mohammad Sadegh Jamshidi Rad
Email: jamshidirad@pnu.ac.ir

Received: 08/Sep/2025

Revised: 07/Oct/2025

Accepted: 14/Oct/2025

Published: 11/Mar/2026

How to cite:

Majd, F.; Jamshidi Rad, M.S.; Amirpour, H.; Jaefari, Gh. (2026). Legal Analysis of Government Intervention in Family Planning: The Youth Population Law, *Civil Law Knowledge*, 14 (2), 115-132. (DOI: [10.30473/clk.2025.75737.3413](https://doi.org/10.30473/clk.2025.75737.3413))

ABSTRACT

Childbearing has always been one of the significant social and legal issues; however, in the past, it was primarily considered a matter of private rights. Over time, with changes in demographic structures, the necessity of governmental intervention in family and population-related policymaking has become increasingly evident. Population policies in different societies have undergone various transformations influenced by economic, social, and cultural factors. Iran has also experienced diverse approaches over the past decades. In the early years following the Islamic Revolution, pro-natalist policies led to a sharp rise in birth rates, resulting in a “population explosion.” In the following decades, however, restrictive policies were adopted to control fertility rates. In recent years, facing the challenges of population aging and declining fertility, the Iranian government has shifted toward new incentive-based policies, particularly through the enactment of the Law on Family Protection and Youthful Population on November 15, 2021. This law seeks to encourage higher birth rates by offering financial and social incentives to families. Adopting an analytical-comparative approach, this article examines the consequences of declining population, the importance of increasing fertility rates, and the legal and Islamic jurisprudential foundations underlying Iran’s demographic policies. The findings indicate that, despite offering substantial economic and social incentives, the new law raises concerns due to certain restrictive regulations and implementation challenges, particularly regarding family autonomy, reproductive rights, public health, increased abortion rates, and the potential rise in births of children with disabilities.

KEYWORDS

Right to Family Planning, Population Growth, Population Aging, Incentive Policies, Best Interests of the Child.



«مقاله پژوهشی»

تحلیل حقوقی مداخله دولت در برنامه‌ریزی خانواده: قانون جوانی جمعیت

فاطمه مجد^۱، محمدصادق جمشیدی‌راد^۲، حیدر امیرپور^۳، قاسم جعفری^۴

چکیده

فرزندآوری همواره از مسائل مهم اجتماعی و حقوقی بوده است، اما در گذشته بیشتر در حیطه حقوق خصوصی افراد قرار داشت. با گذشت زمان و تغییر ساختارهای جمعیتی، ضرورت مداخله دولت در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با خانواده و جمعیت آشکارتر شده است. سیاست‌های جمعیتی در جوامع مختلف، متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دستخوش تغییرات متعددی بوده‌اند. ایران نیز در طول دهه‌های گذشته رویکردهای متفاوتی را تجربه کرده است؛ به طوری که در سال‌های نخست پس از انقلاب، سیاست‌های تشویقی موجب افزایش چشمگیر نرخ زاد و ولد و بروز «انفجار جمعیت» شد، اما در دهه‌های بعد سیاست‌های تحدیدی برای کنترل مولود در پیش گرفته شد. در سال‌های اخیر، با توجه به بحران سالمندی و کاهش نرخ باروری، دولت با اتخاذ سیاست‌های جدید تشویقی، به‌ویژه از طریق تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در ۲۴ آبان ۱۴۰۰، تلاش کرده است تا از طریق اعطای تسهیلات اقتصادی و اجتماعی، نرخ فرزندآوری را افزایش دهد. این مقاله با رویکرد تحلیلی - تطبیقی، پیامدهای کاهش جمعیت و اهمیت افزایش آن را بررسی کرده و ضمن مطالعه سیاست‌های جمعیتی ایران در دوره‌های مختلف، به تحلیل حقوقی قانون اخیر می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند قانون جدید مشوق‌های قابل توجهی در حوزه اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهد، اما برخی مقررات محدودکننده و چالش‌های اجرایی، نگرانی‌هایی در زمینه حقوق خانواده، سلامت، سقط جنین و افزایش تولد کودکان دارای معلولیت ایجاد کرده است.

واژه‌های کلیدی

حق تنظیم خانواده، رشد جمعیت، سالمندی جمعیت، سیاست‌های تشویقی، مصالح عالییه کودک.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۴. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

محمدصادق جمشیدی‌راد

رایانامه: jamshidirad@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۲/۲۰

استناد به این مقاله:

مجد، فاطمه؛ جمشیدی‌راد، محمدصادق؛ امیرپور، حیدر؛ جعفری، قاسم (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی مداخله دولت در برنامه‌ریزی خانواده: قانون جوانی جمعیت، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۴ (۲)، ۱۱۵-۱۳۳.

(DOI: [10.30473/clk.2025.75737.3413](https://doi.org/10.30473/clk.2025.75737.3413))

مقدمه

می‌نماید (National Organization for Civil Registration, 2020).

شاید بهترین تعریف از سیاست‌های جمعیتی این باشد که گفته شود، سیاست جمعیتی برنامه‌ها و اقدامات مشخصی است که دولت به وسیله آنها مستقیم یا غیرمستقیم در تغییرات جمعیتی مداخله می‌کند (Caldwell, 1986). سیاست‌های جمعیتی مستقیم به منظور تغییر رفتار جمعیتی خاص - برای مثال کاهش یا افزایش جمعیت - با توجه به اقتضانات جوامع مختلف می‌تواند به شیوه‌های متنوعی اتخاذ شود. در عین حال، این سیاست‌ها در طول زمان ثابت نیستند و شرایط خاص جمعیتی در هر کشور لزوم تجدیدنظر و بازنگری در سیاست‌های جمعیتی آن کشور را ایجاد می‌کند (United Nations, 2022; Habibi, 2014).

موضوع جمعیت و سیاست‌های جمعیتی از چند دهه گذشته، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹)، به یکی از مسائل کلیدی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تبدیل شده است. در ایران، به دلیل ماهیت دینی نظام حکومتی و نقش محوری فقه اسلامی در سیاست‌گذاری، این موضوع از منظر فقهی و حقوقی نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است. جمعیت نه تنها در سطح فردی مانند احکام شرعی مرتبط با عزل، کنترل موالید و فرزندآوری بلکه در سطح کلان سیاست‌های جمعیتی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است (Naderi, 2016: 25). با این حال، تا اوایل قرن بیستم، به دلیل رشد ناچیز جمعیت در جوامع اسلامی، سیاست‌های جمعیتی کلان چندان مطرح نبود و مباحث فقهی عمدتاً به احکام فردی محدود می‌شد (Ghasemi Goudarzi, 2016: 10). با ورود به قرن بیستم و پیشرفت دانش پزشکی، کاهش مرگ‌ومیر و افزایش امید به زندگی، رشد سریع جمعیت در جهان به یک چالش جهانی تبدیل شد. این تحولات، مسئله کنترل موالید و سیاست‌های جمعیتی را به عنوان یک ضرورت ملی در دستور کار دولت‌ها قرار داد (Kazempour, 2004: 20).

در این دوره، فقه سیاسی شیعه با سؤالاتی در زمینه سیاست‌های جمعیتی کلان مواجه شد که نیازمند پاسخ‌های دقیق فقهی و حقوقی بود. سؤالاتی نظیر: آیا دولت اسلامی می‌تواند برای کنترل رشد جمعیت، مردم را به استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری یا کاهش موالید الزام یا تشویق کند؟ اگر مصالح عمومی کشور مانند امنیت ملی یا اقتصاد، اقتضا کند که جمعیت کاهش یا

از جمله مباحث مهمی که از چند دهه گذشته به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران^۱ و نیز در جهان مطرح گردید، موضوع جمعیت و کنترل باروری و موالید در میان مسلمانان بوده است (Abbasi, 2018). این موضوع از آن رو اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به بحث کنترل جمعیت از نگاه دینی و فقهی چه در سطح خرد و چه در سطح کلان می‌پردازد (Habibi, 2014).

نهاد خانواده، مقدس‌ترین و باارزش‌ترین نهاد جامعه می‌باشد که در طول تاریخ بسیار مورد توجه اندیشمندان بوده است. در مطالعه تاریخ جمعیت‌شناسی، همه ادیان الهی، به ویژه دین اسلام را طرفدار افزایش جمعیت و مشوق فرزندآوری زیاد قلمداد می‌کنند (Asadi, 2011). با توجه به اینکه تا اوایل قرن بیستم، رشد جمعیت در میان مسلمانان (و شیعیان) ناچیز بوده است، بحث کنترل جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در سطح ملی (به صورت کلان) وجود نداشته است. مباحث کنترل موالید و جلوگیری از باروری و عزل، بیشتر در قالب مسائل فردی و موضوعاتی نظیر تعیین تکلیف شرعی و فقهی و جواز شرعی آن مطرح بوده است (Habibi, 2014).

با ورود به قرن بیستم و توسعه دانش بهداشت و علوم پزشکی و کاهش مرگ‌ومیر و افزایش حجم جمعیت جهان، مسئله کنترل موالید و سیاست‌های جمعیتی در سطح کلان مطرح شد و بسیاری از دولت‌ها این مسئله را به عنوان یک ضرورت در دستور کار سیاست‌های ملی خود قرار دادند (Caldwell, 1986; United Nations, 2022). در واقع مهم‌ترین سرمایه هر کشور، سرمایه انسانی آن کشور محسوب می‌شود و جمعیت جوان یک کشور در ساختار امنیت و قدرت آن کشور تأثیر مهمی دارد (Abbasi, 2018). از این زمان به بعد است که با فقه سیاسی شیعه در مورد سیاست‌های جمعیتی در سطح کلان به عنوان یک مسئله - که فقه سیاسی باید پاسخ مناسبی برای آن داشته باشد - مواجه می‌شویم (Abbasi, 2018).

این مسئله به اندازه‌ای برای دولت‌ها اهمیت دارد که با استفاده از ابزارهای حقوقی درصدد مداخله در ساختار جمعیت در جهت افزایش یا کاهش آن برای نیل به جمعیت مطلوب هستند (United Nations, 2022). در واقع، هر دولتی با توجه به شرایط و امکاناتی که دارد، دارای برخی اهداف جمعیتی می‌باشد که در جهت رسیدن به آن، سیاست‌های جمعیتی مختلفی را اتخاذ

۱. به عنوان یک حکومت دینی.

جمعیت و عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در ارتباط می‌دانند (Kazemipour, 2004: 15).

در واقع، باید گفت که جمعیت یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت و قدرت در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و لازم است توجه ویژه‌ای به آن صورت گیرد. در طول تاریخ نیز از مهم‌ترین مصادیق قدرت دولت، بحث جمعیت یک کشور بوده است؛ چراکه کشوری که سرباز بیشتری داشت، در جنگ‌ها موفقیت بیشتری کسب می‌کرد و احساس امنیت و قدرت بیشتری داشت. نیروی جوان و فراوان از مهم‌ترین شاخصه‌های اقتدار نظامی کشور محسوب می‌شود. دوران جنگ تحمیلی و حضور جوانان در عرصه‌های نظامی و عملیات‌های سرنوشت‌ساز، برگ برنده‌ای بود که ایران اسلامی توانست در دوران دفاع مقدس آن را کسب کند. مطمئناً کشوری که دارای جمعیت اندک و پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت (Sokhtanlou, 2013: 55).

جمعیت جوان، به‌ویژه در تجربه دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۶۷) نشان داد که نیروی جوان و فعال در پیروزی‌های نظامی و حفظ استقلال کشور نقش کلیدی داشته است (Ibid).

با این حال، افزایش صرف جمعیت کافی نیست و نیازمند رشد کیفی، زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و اقتصادی است. سیاست‌های جمعیتی باید با در نظر گرفتن ارتباط متقابل با حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی تدوین شوند تا از پیامدهای منفی مانند فقر، بیکاری یا تخریب محیط زیست جلوگیری شود. کاهش نرخ رشد جمعیت و پدیده سالمندی، چالش‌هایی هستند که نه تنها ایران، بلکه بسیاری از کشورهای جهان را درگیر کرده‌اند. سالمندی جمعیت می‌تواند به کاهش نیروی کار، افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی و تضعیف توان نظامی و اقتصادی منجر شود. در ایران، این چالش با توجه به ساختار سیاسی و فرهنگی کشور، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۹/۰۸/۱۴۰۰ (Family and Youth Population Support Law, 2021) تلاشی برای پاسخ به این چالش‌هاست، اما موفقیت آن به عواملی همچون تأمین منابع مالی، هماهنگی با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و پذیرش اجتماعی این قانون وابسته است. علاوه بر این، مسئله مداخله دولت در حریم خصوصی خانواده‌ها، به‌ویژه در موضوع فرزندآوری، یکی از موضوعات حساس و بحث‌برانگیز است که نیازمند تحلیل دقیق از منظر حقوقی است.

افزایش یابد، آیا این مصلحت می‌تواند در تعارض با احادیث «تکثیر نسل» قرار گیرد؟ در صورتی که سیاست‌های جمعیتی دولت با خواست خانواده‌ها ناسازگار باشد، از نظر فقهی حق تقدم با کدام است؛ حقوق والدین یا مصالح اجتماعی؟

جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ به بالاترین نرخ رشد جمعیتی یعنی 3.4% رسید. به دنبال رشد فراوان جمعیت و مشکلات متعدد ناشی از آن، سیاستگذاران در سال ۱۳۶۸ تصمیم به اجرای سیاست‌های کاهش جمعیت گرفتند و در این راستا برخی امتیازات خانواده‌های پرجمعیت قطع شد. نتیجه این سیاست آن شد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، نرخ رشد جمعیت به 1.3% کاهش یافت (Danesh, 2022: 18) که مشکلاتی را در پی داشت. بنابراین، در سال‌های اخیر، سیاست‌های ایران در جهت تلاش برای افزایش مولد تغییر کرد. به همین منظور در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۰ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت تصویب شد که در این قانون امتیازات و محدودیت‌هایی برای افزایش جمعیت کشور برای زوجین ایجاد گردید و دولت موظف به تخصیص بودجه و تأمین این نیازها شد (Samani, 2020: 12).

البته باید این مهم را یادآور شد که تنها اتخاذ سیاست‌های جمعیتی نمی‌تواند در جهت رسیدن به جمعیت متناسب مؤثر واقع شود؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، تناسب این سیاست‌ها با ضرورت‌های موجود جامعه، نیازسنجی دقیق و انطباق آنها با منابع و امکانات موجود است (Ibid).

با وجود اهمیت موضوع و تصویب قانونی با دامنه حقوقی و فقهی، به نظر می‌رسد خلأ تحقیقاتی و پژوهشی در زمینه بررسی جامع قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» (۱۴۰۰) وجود دارد و پژوهشی که به‌طور خاص به موضوع بپردازد یافت نشد؛ به‌ویژه از جهت تحلیل ابعاد مثبت و منفی، چالش‌های اجرایی و تأثیر این قانون بر حقوق و سلامت زنان. این تحقیق درصدد پاسخگویی به این شکاف علمی و ارائه یک تحلیل چندبعدی است. منابع موجود عمدتاً به جنبه‌های فقهی یا کلیات سیاست‌های جمعیتی پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل جامع قوانین داخلی ایران، به‌ویژه قانون اخیر توجه کرده‌اند.

اهمیت و جایگاه

جمعیت‌شناسی در تبیین پدیده‌های جمعیتی با عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی ارتباط دارد؛ به‌طوری که برخی از جمعیت‌شناسان هدف این علم را بررسی روابط متقابل میان

اکولوژیک را تهدید می‌کند» (Meadows et al., 2004) و «کاهش نرخ باروری منجر به ارتقای کیفیت مراقبت‌های بهداشتی و کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان می‌شود» (WHO, 2020) و ادله دیگری که در کنفرانس‌های بین‌المللی بیان می‌شد.

اما روشن است که این ادله تنها رشد بی‌رویه جمعیت را نفی می‌کند نه رشد پایدار و مناسب. با این حال نتیجه آن شد که بررسی گزارش‌های جمعیت‌شناختی کشورهای توسعه‌یافته غربی از دهه ۱۹۷۰ تاکنون نشان می‌دهد که این کشورها خود با بحران سالخوردگی جمعیت و کاهش مولید روبه‌رو هستند و به‌رغم دو دهه تلاش جدی برای افزایش نرخ زاد و ولد، موفقیت چشمگیری کسب نکرده‌اند (Mirzaei, 2005: 99; Lee & Mason, 2017).

از سوی دیگر، سازمان ملل متحد کاهش سریع نرخ باروری در ایران در دهه‌های گذشته را بی‌سابقه توصیف کرده است و حتی به دلیل موفقیت در اجرای سیاست‌های تحدید مولید، جایزه‌ای به ایران اعطا کرده است (United Nations, 2022). این در حالی است که در همان سال‌ها، ایران تحت شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی قرار داشت و حتی دسترسی به داروهای حیاتی برای بیماران خاص محدود شده بود، اما کمک‌های خارجی برای اجرای برنامه‌های کنترل باروری هرگز متوقف نشد.

بر اساس گفته‌های برژینسکی، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا «از حمله پیش‌دستانه به تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را ادامه دهید. بالاتر از همه، بازی بلندمدتی انجام دهید؛ چراکه روند جمعیت و تغییر نسل در ایران در نهایت به ضرر نظام کنونی خواهد بود» (Mohammadi, 2009: 110).

جمعیت و ساختار آن از مهم‌ترین شاخصه‌های قدرت ملی محسوب می‌شود. سالمندی جمعیت، به‌ویژه در نتیجه کاهش نرخ باروری، تهدیدی جدی برای امنیت ملی و اقتصادی کشورهاست؛ چرا که کاهش تعداد فرزندان و نیروی جوان موجب افت جمعیت فعال می‌شود و این امر کاهش تولید ناخالص داخلی و رشد منفی اقتصادی را در پی خواهد داشت (Nikkar, 2019: 4; Bloom et al., 2020). از این‌رو، تنظیم علمی و هوشمندانه سیاست‌های جمعیتی برای حفظ توازن جمعیت فعال و وابسته، نقشی کلیدی در قدرت سیاسی و اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. با این حال، روشن است که، صرفاً افزایش کمی جمعیت نمی‌تواند امنیت و اقتدار ملی را تضمین کند، بلکه دولت‌ها باید

این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد کرد. داده‌ها از طریق مطالعه اسناد رسمی (مانند متن قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت)، منابع فقهی و مقالات علمی-پژوهشی گردآوری می‌شوند. تحلیل محتوای کیفی برای بررسی مواد قانونی و شناسایی خلأها و چالش‌ها به کار گرفته خواهد شد.

پیامدهای رشد منفی جمعیت

رشد منفی جمعیت برای هر کشوری پدیده‌ای نامطلوب تلقی می‌شود؛ زیرا سبب سالخوردگی جمعیت، کاهش نیروی جوان و کارآمد و در نتیجه تضعیف روند توسعه پایدار می‌گردد. نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده، مهم‌ترین سرمایه ملی کشورها برای رشد اقتصادی و اقتدار سیاسی محسوب می‌شود (Mirzaei, 2005: 99).

سیاست‌های جمعیتی ممکن است منشأ درون‌زا داشته باشد؛ یعنی بر اساس ملاحظات داخلی و اقتضائات منطقه‌ای تدوین شود یا اینکه منشأ برون‌زا داشته باشد و تحت تأثیر القایات، برنامه‌ها و سیاست‌های خارجی و بین‌المللی مانند بانک جهانی، سازمان ملل، صندوق جمعیت ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول قرار گیرد؛ به‌ویژه هنگامی که اعطای وام‌ها و کمک‌های مالی، مشروط به کاهش نرخ مولید و ترویج روش‌های کنترل بارداری در سطح جامعه می‌شود (United Nations, 2022).

در این راستا، پنج کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۴ با موضوعاتی همچون کاهش مولید، سلامت مادر و کودک و بهداشت باروری برگزار شد. مهم‌ترین نتایج این کنفرانس‌ها عبارت‌اند از:

۱. هشدار جهانی نسبت به تبعات رشد بالای جمعیت.
۲. قرار دادن موضوع باروری بالا به‌عنوان یک چالش سیاسی در برنامه‌ریزی توسعه.

در این کنفرانس‌های ادله متفاوتی برای کاهش جمعیت بیان می‌شد به عنوان نمونه: «رشد سریع جمعیت موجب افزایش تقاضا برای مسکن، غذای، آموزش، بهداشت و سایر خدمات عمومی می‌شود و این امر می‌تواند منابع مالی کشور را با کمبود مواجه سازد» (Bloom, Canning, & Sevilla, 2003). و «اگر رشد جمعیت سریع‌تر از رشد اقتصادی باشد، فرصت‌های شغلی متناسب ایجاد نمی‌شود و نرخ بیکاری و فقر افزایش می‌یابد» (Todaro & Smith, 2020) و همچنین «افزایش جمعیت موجب مصرف بیش از حد منابعی مانند آب، انرژی، جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی می‌شود و این امر تعادل

برای حفظ ساختار متوازن جمعیتی در بلندمدت برنامه‌ریزی کنند تا نرخ رشد جمعیت به سطح پایدار برسد. کاهش جمعیت علاوه بر تهدید تولید ملی، سبب کاهش سرمایه انسانی، کاهش مصرف‌کننده در جامعه و در نهایت، تضعیف نقش کشورها در رقابت‌های بین‌المللی می‌شود. همچنین، تغییرات در ساختار سنی جمعیت موجب افزایش هزینه‌های دولت؛ به‌ویژه در حوزه خدمات مراقبت از سالمندان، تأمین اجتماعی و خدمات درمانی خواهد شد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های جمعیتی در سه سطح کلان، میان‌مدت و خرد تنظیم شوند تا جنبه اجرایی، علمی و سیاستی داشته باشند که در سیاست‌گذاری کلان جمعیتی ابتدا باید به تدوین سیاست جامع جمعیتی ملی پرداخته شود و در آن اهداف کمی و کیفی برای نرخ باروری و ساختار سنی متعادل تعیین شود و سپس هم‌راستاسازی سیاست‌های اقتصادی، آموزشی و فرهنگی با هدف افزایش جمعیت انجام گیرد.

سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی باید در همین راستا به حمایت مالی مستقیم از فرزندآوری اختصاص داده شود. به عنوان نمونه ارائه وام‌های بدون بهره برای ازدواج و تولد فرزند و پوشش بیمه‌ای کامل برای هزینه‌های بارداری و زایمان و ایجاد امنیت شغلی و اقتصادی برای جوانان و گسترش اشتغال پایدار و مسکن ارزان برای زوج‌های جوان انجام گیرد. در همین راستا باید توسعه خدمات مراقبتی و آموزشی نیز افزایش یابد.

اقدامات علمی و پژوهشی نیز در این راستا ضروری است به عنوان نمونه ایجاد بانک داده جمعیتی ملی برای رصد دقیق تحولات سنی، مهاجرتی و باروری در کشور و حمایت از پژوهش‌های بین‌رشته‌ای با هدف ارائه مدل‌های اسلامی-ایرانی توسعه جمعیت به این مهم کمک خواهد کرد.

همواره باید به تقویت بعد معنوی و دینی در سیاست‌های جمعیتی لحاظ شود. استفاده از ظرفیت فقها و علمای دینی برای تبیین اهمیت خانواده و فرزند در نگاه اسلام کمک شایانی خواهد کرد.

طرفداران نظریه افزایش جمعیت

هواداران افزایش جمعیت در بحث از نظریه خود دلایل و عواملی را بدین شرح عنوان می‌کنند: (۱) اعتقاد دینی و باورهای مذهبی؛ (۲) عوامل اقتصادی و تولیدی؛ (۳) دلایل و مقتضیات خانوادگی؛ (۴) ضرورت‌های نظامی و نیروی انسانی؛ (۵) سنت‌ها و باورهای فرهنگی؛ (۶) جبران کمبود و ضعف و تأمین و رفاه اجتماعی در جامعه؛ (۷) جبران ضایعات ناشی از سوانح قحطی‌ها و بیماری‌های طبیعی.

مطالعه تاریخ عقاید اجتماعی و جمعیتی نشان می‌دهد که در طول تاریخ، سلاطین، ادیان، فلاسفه و اندیشمندان مکاتب فکری و عقیدتی، افزایش جمعیت را همواره تأیید و تشویق می‌کردند. تقریباً همه ادیان جهان، به جز برخی موارد در میان کاتولیک‌ها، با افزایش جمعیت موافق بودند. برخی ادیان مانند یهودیت، زرتشت، مسیحیت، شیونتوئیسم و هندوئیسم فرزندآوری زیاد را نشانه توجه خداوند می‌دانستند. بسیاری از پادشاهان نیز مردم را به افزایش جمعیت تشویق می‌کردند؛ برای مثال، ژول سزار، امپراتور روم، به خانواده‌هایی که فرزندان زیادی داشتند جایزه می‌داد. هرمز چهارم، پادشاه ایرانی، معتقد بود که نیرو و ثروت سلاطین وابسته به تعداد اتباع آنهاست. موسولینی، رهبر جمهوری اجتماعی ایتالیا، سرنوشت ملت‌ها را وابسته به قدرت نفوس آنها می‌دانست و هیتلر نیز برای پدرانی که تعداد فرزندان آنها زیاد بود، معافیت‌های مالیاتی و امتیازات استخدامی در نظر گرفته بود. همچنین اندیشمندانی چون ابن‌سینا، ماکیاولی، توماس کامپانلا و ژان بون، جمعیت زیاد را عامل پیشرفت جامعه می‌دانستند (Taghavi, 2013: 82).

الف) رویکرد تقنینی دستوری به تشویق یا تحدید موالید

در دوره‌های که در جوامع غربی فقر سنتی افزایش یافت، مداخله دولت در نهاد خانواده به بیشترین حد خود رسید. بدین ترتیب سازمان‌های دولتی با تکیه بر تمرکززدایی، منابع در دسترس دولت‌ها را به امور رفاهی همه مردم اختصاص دادند و در حوزه‌های خصوصی از جمله نهاد خانواده وارد شدند؛ زیرا دولت‌ها به علت تداوم سطوح پایین باروری بی‌سابقه و افزایش ورود زنان به بازار کار و تنوع اشکال خانواده مجبور شدند نظام حمایت از خانواده را دوباره ارزیابی کنند. همچنین به علت وجود برخی آسیب‌های خانوادگی مانند خشونت‌ها و بدرفتاری‌هایی که نسبت به زنان و کودکان اعمال می‌شد، زمینه مداخله بیشتر دولت‌ها در نهاد خانواده فراهم شد (Moeini-Far, 2011: 12).

این رویکرد بیشتر در خصوص تحدید موالید به‌کار می‌رود و زمانی کاربرد دارد که جمعیت کشور رو به فزونی است و دولت پاسخگوی نیازهای جمعیتی نیست و امکانات و زیرساخت‌های جامعه توان رویارویی با چنین جمعیتی را در آینده ندارد. اینجاست که دولت وارد عمل می‌شود و با ابزار قانون به تنظیم و تعدیل نرخ رشد جمعیت می‌پردازد، اما اینکه این دخالت تا چه حد در تنظیم جمعیت و رسیدن به آرمان جمعیتی دولت تأثیرگذار است،

۲. همچنین طرفداران این رویکرد معتقدند دخالت در امور خانواده و به خصوص تعداد فرزندان برای دولت بسیار پرهزینه خواهد بود. بنابراین، اگر هم در موارد ضروری مداخله در امور خانواده‌ها لازم باشد، این مداخله باید به طور غیر مستقیم و با کمک برخی نهادهای مدنی صورت گیرد تا بتواند نرخ رشد جمعیت را مدیریت نماید. مطابق این رویکرد مهم‌ترین وظیفه دولت در مقابل خانواده‌ها ایجاد رفاه اجتماعی و تأمین خدمات می‌باشد و تصمیم‌گیری در خصوص تعداد فرزند در حیطه اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد.

البته باید توجه داشت امروزه با توجه به پیچیدگی‌های جامعه مدرن اگر دولت در نهاد خانواده مداخله نکند، قدرت‌های برتر جهانی در چارچوب بنگاه‌های نوپدید اجتماعی و فرهنگی باعث شکسته شدن اقتدار دولت‌های محلی در نهاد خانواده می‌شوند و سپس با جایگزین کردن شبکه‌های رسانه‌ای بیگانه و نهادهای فرهنگی و اجتماعی وابسته به خودشان در نهاد خانواده مداخله می‌کنند. به عبارت دیگر، نتیجه این رویکرد سبب می‌شود خانواده از مداخله دولت‌های محلی دور بماند و در دام نهادهای نوظهور بیفتد. شورای اطلاعات ملی آمریکا در گزارش سال ۲۰۱۲ میلادی اعلام کرد که تا سال ۲۰۳۰ قدرت از دولت‌ها به فضای اجتماعی و شبکه‌ها و اتحادیه‌ها واگذار می‌شود و این بدان معناست که نقش نهادهای مردمی و سازمان‌های جهانی مردم نهاد افزایش می‌یابد (Homayounpour, 2001: 121).

در نتیجه باید گفت که بهتر است دولت در امور خانواده مداخله و حمایت از خانواده‌ها را قطع نکند؛ به خصوص حمایت از اقشار متوسط در معرض آسیب مانند زنان سرپرست خانوار یا جوانان فاقد شغل که این اقشار نباید نادیده شوند و این حمایت محدود به تأمین خدمات رفاهی و آزادی نشود؛ چراکه در این صورت همانطور که بیان شد نهادهای غیردولتی و بیگانه در امور داخلی کشور مداخله خواهند کرد و هویت ملی مردم و ترویج فرهنگ خاص آن کشور غیرممکن خواهد بود.

رویکردهای تقنینی دولت در جهت افزایش جمعیت

همان‌طور که پیش از این بیان شد، به دلیل ارتباط متقابل جمعیت با سایر حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و تأثیرات مهمی که بر جامعه خواهد گذاشت، امروزه دولت‌ها به دنبال قانونگذاری و رسیدن به اهداف جمعیتی با ابزارهای حقوقی هستند. بنابراین، ایران در طول سالیان مختلف قبل و بعد از انقلاب رویکردهای متفاوتی را در این زمینه اتخاذ کرده است. رویکردهای قبل از انقلاب در حوزه جمعیتی موضوع بحث این

خود محل بحث می‌باشد. مداخله آزاد دولت در امور خانواده و حمایت‌هایش اگرچه پیامدهای مثبتی به دنبال داشت اما انتقاداتی نیز بر آن وارد است، از جمله اینکه این حجم از حمایت‌های گسترده سبب شد خانواده استقلال درونی خود را از دست بدهد و نتواند به خوبی ایفای نقش نماید. در نتیجه جامعه با حجمی وسیع از خانواده‌هایی روبه‌رو خواهد شد که مسئولیت‌گریز بار آمده‌اند. علاوه بر این، مداخله و حمایت دولت از خانواده‌ها مستلزم هزینه‌های فراوان می‌باشد؛ چراکه کمک هزینه‌های رفاهی برای خانوارها باید با توجه به ظرفیت‌های مالی دولت و امکانات موجود در کشور تأمین و پیش‌بینی شود و گرنه جامعه را با زیان‌های جبران‌ناپذیری روبه‌رو خواهد کرد.

ب) رویکرد آزادسازی جمعیت و عدم ایجاد محدودیت از طریق قوانین و مداخله حداقلی

مطابق این رویکرد تنها وظیفه دولت در امور شهروندان تأمین امنیت و آزادی برای آنان و ایجاد نظم عمومی می‌باشد. بنابراین، دولت موظف است که به آزادی‌های شهروندان احترام بگذارد و در جهت تأمین هرچه بیشتر آن تلاش نماید. براساس این نظریه مداخله دولت در نهاد خانواده به پشتیبانی از نقش نان‌آور بودن مردان و خانه‌دار بودن زنان در خانواده خلاصه شده است و دولت فقط اقداماتی برای تقویت الزامات و تعهدات متقابل اعضای خانواده انجام می‌دهد؛ بنابراین دولت از نهاد خانواده حمایت‌های اندکی می‌کند و با تقویت ارزش‌های خانوادگی و باورهای مذهبی سعی می‌کند که خانواده جایگاه مناسبی در خانواده داشته باشد. مطابق نظریه مداخله حداقلی، خدمات اجتماعی دولت فقط در رسیدگی به افراد نیازمند جامعه محدود می‌شود. درحقیقت این تصور وجود دارد که خانواده بدون دخالت دولت به شرایط مطلوب خود خواهد رسید و در نتیجه دولت خود را مجاز به دخالت در آن نمی‌داند (Homayounpour, 2001: 175).

طرفداران این نظریه برای مداخله حداقلی دولت به مواردی اشاره می‌کنند که به اختصار به آن خواهیم پرداخت:

۱. بر اساس این رویکرد امر جمعیت و فرزندآوری مسئله‌ای کاملاً شخصی و خصوصی می‌باشد و در حیطه اختیار دولت‌ها قرار ندارد. بنابراین، دولت‌ها حق ندارند با ابزارهای حقوقی در زندگی خانواده‌ها مداخله کرده و امر جمعیتی را تحت کنترل خود قرار دهند. آنان معتقدند که با دخالت دولت در امر خانواده در رابطه با شمار فرزندان، خانواده‌ها استقلال خود را از دست خواهند داد و به اعتماد اجتماعی لطمه جدی وارد خواهد شد و این مسئله سبب پایمال شدن حقوق و آزادی‌های افراد می‌باشد.

مقاله نمی‌باشد لذا به رویکردهای جمعیتی بعد از انقلاب و قبل و بعد از تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می‌پردازیم و آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رویکرد دولت قبل از قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

ایران در طول دهه‌های مختلف بر اساس نیازهای جمعیتی، سیاست‌های جمعیتی متفاوتی را اعمال کرده و به قانونگذاری در این خصوص پرداخته است. در این مبحث مصوبه‌های جمعیتی ایران در دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ بررسی خواهد شد.

بند ۱: مصوبه‌های جمعیتی در دهه شصت

الف) قانون برنامه اول توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸/۱۱/۱۱)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات سیاسی و ایجاد انگیزه و امید به آینده و نیز با توجه به تشویق‌هایی که برای افزایش جمعیت صورت گرفته بود، کشور با انفجار جمعیتی روبه رو شد. لذا قانون برنامه اول توسعه همواره به موضوع کاهش جمعیت توجه دارد. قانون برنامه اول توسعه در فصل مربوط به جمعیت در کشور خطوط کلی و سیاست‌های کلی را سیاست تحدید موالید بیان می‌کند. با توجه به این سیاست، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۴۶ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۲/۳ به ۳/۲ درصد در همین مدت، با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. از این‌رو، مهم‌ترین هدف درازمدت سیاست تحدید موالید در کشور در سال ۱۳۹۰، کاهش باروری عمومی زنان تا حد چهار نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۳،۲ درصد بود.

ب) قانون کار (۱۳۶۹/۸/۲۹)

در قانون کار در مواد ۷۵ تا ۷۸ به زنان کارگر و شرایط ویژه زنان باردار و مادران شیرده توجه شده است. در رابطه با مرخصی نیز مرخصی بارداری و زایمان برای زنان کارگر جمعاً ۹۰ روز می‌باشد که ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. از تدابیری که برای مادر باردار اندیشیده شده است، بازگشت به کار سابق خود و احتساب این مدت در سابقه خدمت وی است و حقوق ایام مرخصی زایمان به او پرداخت خواهد شد.

ج) مصوبه وظایف دستگاه‌های اجرایی ذیربط در خصوص اعمال سیاست تحدید موالید ۱۳۶۹/۴/۶

هیئت وزرا این مصوبه را جهت اجرای بهتر و بیشتر سیاست کنترل موالید تصویب کرد که در آن وظایف برخی دستگاه‌ها مشخص شده است. مطابق این مصوبه وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مکلف است ۲۴٪ زنان و مادرانی که در سن باروری هستند را تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد و در این راستا باید آن بخش از نواحی کشور و قشرهای جامعه که از باروری ناخواسته آسیب بیشتری می‌بینند، در اولویت قرار گیرند. از دیگر اهداف این مصوبه تلاش در جهت کاهش مرگ و میر نوزادان و مادران است. همچنین وزارت آموزش و پرورش مکلف است سطح سواد عمومی را در کلیه اقشار و خصوصاً در میان دختران با اولویت قرار دادن روستاها ارتقا دهد.

بند ۲: مصوبه‌های جمعیتی در دهه هفتاد

الف) قانون تنظیم خانواده و جمعیت ۱۳۷۲/۲/۲۶

این قانون، اولین و مهم‌ترین قانون در زمینه کنترل موالید است که پس از انقلاب به تصویب رسید. نوآوری که در این قانون دیده می‌شود این است که برخلاف قوانین سابق برای نخستین بار جهت کاهش فرزندآوری به سوی ایجاد یک سیاست تشویقی گام برمی‌دارد و سیاست‌های تشویقی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را بیان می‌کند. به موجب ماده یک قانون مذکور کلیه امتیازاتی که در سایر قوانین براساس تعداد فرزندان یا عائله پیش‌بینی و وضع شده‌اند، در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از گذشت یک‌سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود.

به موجب این قانون مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن برای فرزندان چهارم و بعد از مرخصی استحقاقی موجود و آتی کارگر کسر خواهد شد و نیز هزینه نگهداری از فرزندان چهارم و بعد کارگران زن در مراکز نگهداری که موضوع ماده ۷۸ قانون کار می‌باشد، به عهده کارگر خواهد بود و نیز حق بیمه فرزندان به صورت جداگانه تعیین و از بیمه‌شده دریافت می‌گردد. از دیگر سیاست‌های مربوط به تحدید موالید در این قانون توجه به آموزش و زمینه‌سازی فرهنگی در این خصوص می‌باشد. در این خصوص وزارت آموزش و پرورش را مکلف می‌کند تا مطالبی را در رابطه با تنظیم جمعیت و تأمین سلامتی مادران و کودکان در خلال متون درسی جای دهد و واحدی به نام خانواده و تنظیم جمعیت در کلیه رشته‌های آموزشی ایجاد کند.

وسایل پیشگیری از بارداری تأمین و تعمیم گردد. همچنین بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی باید به طور مستمر خدمات پیشگیری از بارداری ارائه دهند. همچنین در این قانون در جهت تحدید موالید باید برای استفاده از جدیدترین روش‌های پیشگیری از بارداری کسب دانش شود و مطالعات گسترده صورت گیرد. این قانون به دنبال اهداف جمعیتی خود، کلیه قوانین و امتیازاتی که به موجب قوانین سابق به خانواده‌های پرجمعیت داده شده بود را لغو می‌کند.

د) قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی ۱۳۷۴/۱۲/۲۲

مطابق ماده ۳ این قانون، مرخصی زایمان تا سه فرزند برای مادرانی که فرزند خود را شیر می‌دهند، در بخش‌های دولتی و غیر دولتی ۴ ماه می‌باشد. این ماده اگرچه به حمایت از مادران شیرده می‌پردازد، اما همچنان محدودیت حمایت تا سه فرزند در این ماده دیده می‌شود. در خصوص مرخصی مادران، مادران شیرده بعد از شروع به کار مجدد در صورت ادامه شیردهی می‌توانند حداکثر تا ۲۰ ماهگی کودک روزانه یک ساعت از مرخصی بدون کسر از حقوق استفاده کنند. در این ماده به امنیت شغلی مادران توجه ویژه شده است و اشاره می‌کند که پس از پایان مرخصی زایمان و حتی در حین شیردهی باید امنیت شغلی مادران حفظ شود. دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و دیگر دستگاه‌هایی که به لحاظ مقررات خاص استخدامی مشمول قانون کار نیستند موظف هستند تسهیلات مناسبی را برای تغذیه نوزادان شیرخوار با شیر مادر در جوار محل کار کارکنان زن ایجاد کنند. به طور کلی هرچند این قانون نوآوری‌هایی دارد و با وجود اهمیت انکارناپذیر شیر مادر برای کودک بهتر بود چنین حمایتی صرفاً محدود به شیر مادر نمی‌شد و سایر روش‌های تغذیه کودکان را هم شامل می‌شد.

ه) آیین‌نامه اجرایی قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی ۱۳۵۷/۹/۲۱

مطابق ماده ۳ این آیین‌نامه چهارمین ماه مرخصی زایمان منوط به گواهی پزشک متخصص اطفال یا پزشک مرکز بهداشتی-درمانی همراه با شناسنامه شیر خوار برای احراز عدم استفاده از شیرخشک است. البته محدودیت مذکور در این ماده در سال ۱۳۷۶ لغو گردید و اعطای چهار ماه مرخصی زایمان به طور مطلق و بدون نیاز به گواهی مذکور اعطا خواهد شد.

ب) قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ۱۳۷۲/۱۲/۱

کنوانسیون حقوق کودک، تنظیم خانواده و ایجاد فضای مناسب جهت رشد و بالندگی کودکان را بر عهده تمامی کشورهای عضو آن دانسته است و آن را یک تعهد عمومی می‌داند. جمهوری اسلامی ایران نیز این مسئله را مطابق قوانین داخلی ایران به رسمیت پذیرفته است و مطابق ماده ۹ قانون مدنی شناخته شده و یک تعهد عمومی می‌باشد.

در این قانون کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که حمایت‌ها و مراقبت‌های لازم را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق و وظایف والدین آنها و قیم‌های قانونی و یا سایر افرادی که قانوناً مسئول آنان هستند، تضمین کنند. همچنین کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و وسایلی که مسئول مراقبت و حمایت کودکان هستند، با معیارهایی که توسط مقامات ذی صلاحیت خصوصاً در زمینه‌های ایمنی، بهداشت و از نظر تعداد کارکنان (آن مؤسسات) و نیز نظارت مناسب گذاشته شده مطابقت داشته باشند. به موجب این قانون کشورهای طرف کنوانسیون حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت خواهند شناخت. همچنین کشورهای طرف کنوانسیون (وجود) حداکثر امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین خواهند کرد.

ج) قانون برنامه دوم توسعه ۱۳۷۳/۹/۲۰

این قانون تأکید فراوانی به افزایش سطح آگاهی‌های عمومی افراد جامعه در خصوص جمعیت دارد و نیز به دنبال آگاهی زنان به ویژه در سنین بالقوه باروری در رابطه با مزیت‌های پیشگیری از بارداری است. قانون برنامه دوم توسعه به جنبه آموزشی تأکید داشت و معتقد بود که باید سطح دانش عمومی در زمینه زبان و مشکلات ناشی از رشد بیرویه جمعیت ارتقا یابد و برای نیل به این هدف از ابزار رسانه و صدا و سیما و از طریق تبلیغات در قالب برنامه‌های مختلف کمک می‌گیرد. قانون مذکور به پیشگیری از بارداری از طریق متون درسی دانشگاهی تأکید دارد و به دنبال این امر است تا در سطوح متوسطه نیز مسائل جمعیتی آموزش داده شود. همان‌طور که پیش از این بیان شد، این ماده نمی‌تواند تأثیر کافی در زمینه تحدید موالید داشته باشد؛ چراکه جامع نیست و تنها شامل قشر تحصیل کرده و دانشجو می‌باشد و سایر مردم را در نظر نگرفته است. مطابق این قانون در راستای سیاست تحدید موالید در کشور باید در سطح کشور و به خصوص در مناطق محروم و روستاها و در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه،

و) راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۱۰/۲۱

این مصوبه به دنبال همان سیاست‌های تحدید موالید سابق می‌باشد و به دنبال استمرار چنین سیاست‌هایی در پی کم کردن بارداری سنین پایین‌تر از هجده سال و پیشگیری از حاملگی‌های ناخواسته و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و تواناسازی آنان در فرایند توسعه کشور بود. در این راستا آموزش و پرورش را مکلف می‌نماید برای سیاست تحدید موالید آموزش‌های لازم را در سطوح مناسب به افراد القا کند. این مصوبه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رسانه عمومی و صدا و سیما می‌خواهد تا در جهت سیاست تنظیم خانواده تلاش کند. همچنین بخش خصوصی و تعاونی و خیریه را در راستای دادن خدمات بهداشت باروری و تنظیم خانواده به کمک می‌طلبد. مصوبه مذکور به دنبال تشویق روستاییان با ایجاد امکانات بهداشتی و درمانی برای اقامت در روستاها می‌باشد و سعی دارد از رشد بی رویه شهرنشینی جلوگیری کند. از نوآوری‌های این مصوبه توجه به منابع و امکانات در سیاست‌های تقنینی جمعیت می‌باشد؛ زیرا در بند الف این ماده برای اولین بار به عبارت ایجاد تعادل بین منابع و میزان رشد جمعیت اشاره شده است.

تحلیل و نقد قوانین این دهه

بررسی قوانین مصوب این دهه نشان می‌دهد که هرچند از حیث سامان‌دهی نهادی و سیاستی گامی رو به جلو محسوب می‌شوند، اما از منظر آینده‌نگری و توازن میان جمعیت و توسعه، با کاستی‌های جدی روبه‌رو هستند.

تمام قوانین دهه هفتاد با رویکرد «کاهش جمعیت» تدوین شدند، بدون آنکه به امکان تغییر شرایط و نیاز کشور در دهه‌های بعد توجه کنند. این در حالی است که سیاست‌های جمعیتی باید پویا، منعطف و تابع داده‌های آماری به‌روز باشند. قانون‌گذار در این دوره بیش از حد تحت تأثیر مشکلات اقتصادی زمان خود قرار گرفت و از پیامدهای بلندمدت کاهش جمعیت بر امنیت ملی، نیروی کار، و سرمایه انسانی غافل ماند. این قوانین بدون چشم‌انداز بلندمدت تصویب شدند و به همین دلیل، امروز کشور با پدیده «پیری جمعیت» و «کاهش نرخ باروری» مواجه است که نتیجه همان سیاست‌هاست.

هدف اصلی قوانین این دوره، بازدارندگی غیرمستقیم از فرزندآوری بیش از سه فرزند بود. مواد قانونی آن به‌صورت

صریح، امتیازات اقتصادی و اداری خانواده‌های پرجمعیت را حذف و حتی هزینه‌های فرزند چهارم و بعد را بر عهده والدین گذاشت، اما این قانون با قانون الحاق به کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۳۷۲ انجام شد، در تعارض است؛ زیرا مفاد کنوانسیون حقوق کودک، دولت را ملزم به حمایت همه‌جانبه از حقوق بهداشت و رفاه کودکان کرده است و همچنین حذف امتیازات خانواده‌های پرجمعیت، عملاً قشر فقیر را بیش از همه متضرر ساخت و به نقض اصل عدالت اجتماعی انجامید.

بند ۳: مصوبه‌های جمعیتی در دهه هشتاد

الف) قانون اصلاح ماده ۳ قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی ۱۳۸۶
مطابق این قانون دو اصلاح نسبت به قانون ترویج تغذیه با شیر مادر صورت گرفته است: یکی اینکه مرخصی زایمان از ۴ ماه به ۶ ماه افزایش یافته است و دیگر اینکه حمایت تا سن ۲۰ ماهگی به سن ۲۴ ماهگی افزایش یافته است.

ب) قانون تسهیل ازدواج جوانان ۱۳۸۴/۹/۲۷

در این قانون در ماده ۳ به منظور کمک به ساخت مسکن، طرح ایجاد مسکن موقت پیشنهاد شده است. به این صورت که با استفاده از زمین‌های دولتی یا زمین‌های اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی با نام مسکن موقت احداث می‌شود که آنها را با اجاره مناسب در اختیار زوج‌های جوان قرار خواهند داد. البته مدت استفاده هر زوج فقط سه سال می‌باشد. در این ماده به درستی ضرورت وجود مسکن برای تشکیل یک خانواده تشخیص داده شده است و حمایت متناسب با آن در نظر گرفته شده است. در ماده ۵ به بحث آمادگی ذهنی برای ازدواج و فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب ازدواج اشاره شده است. از دیگر حمایت‌های مناسب این قانون در ماده ۴ پیش‌بینی فضای مناسب جهت برگزاری مراسم ازدواج برای زوج‌های واجد شرایط می‌باشد. به این صورت که کلیه دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی و شهرداری‌های دارای تسهیلات رفاهی، فرهنگ سرا، تالار و باشگاه و اردوگاه موظف هستند با هماهنگی کمیته سازمان ازدواج فضای مناسبی را تدارک ببینند. در این قانون حتی به سربازان متأهل نیز توجه شده است. به این صورت که در ماده ۷ تأکید می‌کند به منظور رفع موانع ازدواج و تشویق جوانان به تشکیل خانواده باید محل خدمت سربازان متأهل در نزدیک‌ترین مرکز نظامی محل سکونت تعیین شود و مستمری به میزان

«مسکن موقت»، فضاهای مراسم ازدواج، آموزش پیش‌ازدواج و حمایت از سربازان متأهل، ناظر بر شناخت مانع مسکن و فرهنگ‌سازی ازدواج است. اعطای کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد تا حداکثر سه فرزند به کارکنان، تلاش برای ایجاد مشوق در بدنه دولت است، اما سقف سه فرزند استمرار همان رویکرد پیشین تحدید موالید را منعکس می‌کند.

در قوانین این دوره تناقض میان سیاست تشویقی و سقف‌های حمایتی مشاهده می‌شود. از یک‌سو برنامه‌ها و سیاست‌ها به تسهیل ازدواج و تقویت خانواده اشاره می‌کنند و از سوی دیگر، در قوانین حمایتی مثل مدیریت خدمات کشوری، سقف سه فرزند باقی است که پیام دوگانه تشویق، ولی محدودسازی ایجاد می‌کند و تعارض انگیزشی می‌آفریند.

امکاناتی مانند «مسکن موقت سه‌ساله» برای ورود اولیه مفید است، اما حمایت‌های اقتصادی پایدار مانند مالیات، بیمه، تضمین اشتغال برای زوج‌ها، محدود می‌شود؛ چنین تدابیری برای تغییر ساختار عقلانی تصمیم به فرزندآوری ناکافی است. در این قوانین فقدان شاخص‌ها و مکانیسم ارزیابی دوره‌ای کاملاً مشهود است. قوانین کمتر معیار کمی، بازنگری زمانی یا الزام به گزارش‌دهی دوره‌ای دارند.

همچنین غفلت از سیاست تعلیم و تربیت و مراقبت روزانه باعث کمبود سرمایه‌گذاری در شبکه مهدکودک عمومی و خدمات مراقبت روزانه برای تسهیل اشتغال والدین همراه بوده است. در نتیجه مصوبه‌های دهه ۸۰ نشانه‌هایی از بازتعریف حمایت از خانواده‌اند، اما هنوز فاصله مهمی میان سیاست‌گذاری کلان و ابزارهای اجرایی عینی وجود دارد.

بند ۴: مصوبه‌های جمعیتی در دهه نود

الف) راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و

اقتضانات راهبردی کشور ۱۳۹۱/۳/۲

این مصوبه که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید، به ترویج الگوی سبک زندگی که در آن نقش مادری و همسری در کنار سایر فعالیت‌ها به درستی ایفا گردد، تأکید دارد. همچنین در بحث سلامت برای مادر و کودک از ابتدای بارداری تا پایان دوسالگی کودک پوشش بیمه اجباری درمان رایگان قرار می‌دهد. اختصاص سبد تغذیه و بسته‌های بهداشتی-درمانی به مادر باردار و دارای فرزند زیر دوسال، حداقل برای ۳ دهک درآمدی پایین و نیازمندان و پوشش کامل بیمه‌ای برای ناباروری‌های اولیه و ثانویه از دیگر امتیازات این مصوبه است.

حداقل دو برابر به سربازان متأهل نسبت به سربازان مجرد پرداخت شود و نیز سربازان متأهل در اولویت دسترسی به فرصت‌های شغلی و وام اشتغال و وام مسکن قرار گیرند.

ج) قانون مدیریت خدمات کشوری ۱۳۸۶/۷/۸

از امتیازات این قانون کمک هزینه عائله‌مندی و اولاد به کارمندان مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر تا حداکثر سه فرزند و کمک‌هزینه عائله‌مندی به کارمندان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول قانون که دارای همسر نبوده و یا همسر آنان معلول و یا از کار افتاده کلی باشد و یا خود به تنهایی متکفل مخارج فرزندان است، می‌باشد.

د) سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم توسعه

۱۳۸۷/۱۰/۲۱

در اواخر دهه ۸۰ دوباره سیاست‌های تشویق موالید روی کار آمد؛ از جمله در این سند به تقویت نهاد خانواده و به خصوص جایگاه زنان در خانواده تأکید شده است. همچنین به جایگاه اجتماعی زنان و و استیفای حقوق آنان توجه دارد. علاوه بر این به هویت ملی جوانان با توجه به آرمان‌های انقلاب اسلامی توجه می‌کند و نیز بیان می‌دارد که باید محیط مناسب جهت رشد فکری و علمی جوانان ایجاد گردد و دغدغه‌های اقتصادی آنان از جمله شغل و تشکیل خانواده و تأمین مسکن مناسب برطرف گردد. اگرچه صراحتاً به افزایش موالید اشاره نشده است، اما در نتیجه چنین تمهیداتی و با وجود این محرک‌ها و انگیزه‌ها قطعاً تشکیل خانواده و ازدواج آسان و افزایش موالید نیز خواهد آمد.

ه) قانون برنامه پنجم توسعه ۱۳۸۹/۱۰/۱۵

در این قانون و نیز قوانین سوم و چهارم برنامه توسعه به طور خاص اشاره‌ای به کاهش یا افزایش موالید نشده است. در قانون برنامه پنجم توسعه به فرهنگ ایرانی-اسلامی تأکید شده است و بیان می‌کند مراکز مشاوره ازدواج باید مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی باشند و بر تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم بیان خانواده تأکید نمایند.

تحلیل و نقد قوانین این دهه

در قوانین این دوره، نشان می‌دهد که قانونگذار به اصلاح قوانین دوره قبل پرداخته است. افزایش مرخصی زایمان از ۴ به ۶ ماه و گسترش حمایت تا ۲۴ ماهگی، نشانه‌ای از حرکت به سمت تقویت حمایت‌های مادری و نگهداری کودک است. تمرکز بر

قانون تبعیضاتی که در قانون قبلی ایجاد شده بود را تا حدودی تعدیل کرد. به موجب این قانون مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن برای فرزندان چهارم و بعد از مرخصی استحقاقی موجود و آتی کارگر کسر نخواهد شد و حق بیمه فرزندان برای فرزندان چهارم به بعد نیز اعمال گردید.

این قانون به دولت اختیار داده است تا مرخصی زایمان مادران را تا ۳ ماه افزایش دهد و به همسران آنان مرخصی اجباری (تشویقی) به مدت دو هفته اختصاص داده است. این قانون به مادرانی که سن فرزند آنان به ۹ ماهگی نرسیده است نیز تسری می‌یابد.

به موجب تبصره ۱ این قانون دولت می‌تواند هر پنج سال یک‌بار، باتوجه به سرشماری‌های عمومی نفوس، ترکیب جمعیتی و شاخص‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی به برقراری امتیازات یا ایجاد محدودیت‌ها براساس تعداد فرزندان اقدام نماید. این مسئله گامی مثبت می‌باشد؛ زیرا به درستی به امر تشخیص ضرورت در جامعه و سپس ایجاد قوانین متناسب با آن ضرورت اشاره می‌کند؛ چراکه قوانین جمعیتی ثابت نیستند و نمی‌توان برای تمامی نسل‌ها یک نسخه را تجویز کرد و در زمان‌های مختلف و باتوجه به امکانات و زیرساخت‌های جامعه متفاوت خواهند بود.

هرچند در این قانون اصلاحات و نوآوری‌هایی صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد مکلف نکردن دولت برای افزایش مرخصی زایمان این مسئله را با چالش‌هایی مواجه می‌کند؛ چراکه بسیاری از سازمان‌ها و نهادها ممکن است به دلیل داشتن بار مالی با این امر موافقت ننمایند که این مسئله خود سبب ناکارآمدی قانون خواهد شد.

د) سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری ۱۳۹۳/۲/۳۰

سیاست‌های کلی جمعیت از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد و اقدامی اساسی در جهت کاهش آشفستگی و ایجاد هماهنگی در سیاست‌های تقنینی کشور در حوزه جمعیت بود. این سند در ۱۴ بند تنظیم شده است و سیاست‌هایی برای تنظیم و مدیریت برخی شاخص‌های جمعیتی ایجاد می‌کند. این طرح به مسائل مهمی از جمله تشکیل خانواده و ترغیب به ازدواج و رفع موانع ازدواج و کمک به جوانان در این مسیر تأکید دارد. از طرفی به خطرات کاهش جمعیت و آگاه‌سازی عمومی و ترغیب به امر فرزندآوری می‌پردازد. در این راستا به ایجاد امکانات

در رابطه با مرخصی زایمان نیز به افزایش مرخصی زایمان به ۹ ماه و مرخصی بدون حقوق به ۲۱ ماه و اختصاص مرخصی استحقاقی ۲ هفته‌ای تولد فرزند به پدر تأکید می‌کند. همچنین برای مادران دانشجو هم طرح‌های تشویقی در قالب افزایش سنوات تحصیلی و کاهش سقف واحدهای درسی و اولویت دانشجویان متأهل در تخصیص وام و خوابگاه در نظر گرفته است و مادران شاغل با هرمیزان سابقه کار به ازای هر فرزند با یک‌سال افزایش سنوات بازنشسته می‌شوند.

این مصوبه به دنبال ترویج زایمان طبیعی و بدون درد و مقابله با سزارین‌های غیر ضروری و سودجویانه است. از نوآوری‌هایی که برای تشویق موالید در این مصوبه دیده می‌شود؛ اختصاص وام خرید مسکن با بازپرداخت ۳۰ ساله و یا اعطای یک قطعه زمین مسکونی در شهرستان محل سکونت به خانواده‌های دارای ۴ فرزند و بیشتر می‌باشد.

ب) قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱/۱۲/۱

برخلاف عنوان این قانون که به نظر می‌رسد شامل سازوکارهای لازم برای حمایت حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و حمایت‌هایی در جهت تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده و استحکام بنیان خانواده باشد. قانونگذار بیشتر بر شیوه حل و فصل دعاوی خانوادگی توجه کرده است. اگرچه حمایت از خانواده در اصول قانون اساسی پیش‌بینی شده و قانونگذار عادی باید قوانین لازم برای تحقق آنها وضع کند، ولی احتمالاً سیاست تقنینی قانونگذار در قانون حمایت خانواده به این صورت می‌باشد که از افزایش بار مالی دولت خودداری کرده و از مداخله در امور خانواده پرهیز کند و در رفع اختلافات نقش داور را بر عهده بگیرد.

ج) قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده ۱۳۹۲/۳/۲۰

به موجب این قانون، قانون تنظیم خانواده و جمعیت سال ۱۳۷۲ و نیز کلیه محدودیت‌هایی که در سایر قوانین کنترل جمعیت در رابطه با تعداد فرزندان برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده بود، لغو گردید. در پی تغییراتی که در سیاست‌های جمعیتی به وجود آمد، قانون اصلاح قانون تنظیم خانواده در سال ۸۸ با هدف تعدیل محدودیت‌های قانون قبلی تصویب شد. امتیازاتی که براساس تعداد فرزندان یا عائله پیش‌بینی شده، در مورد فرزند چهارم و بعد به موجب قانون تنظیم خانواده و جمعیت سال ۱۳۷۲ حذف شده بود، دوباره به جریان افتاد و به خانواده‌ها داده شد. این

خانواده تأکید دارد. در این قانون به زمینه سازی جهت افزایش نرخ باروری به حداقل ۲/۵ فرزند به ازای هر زن تأکید شده است که این مسئله در برنامه‌های قبلی مورد توجه نبود و سیاستی برخلاف افزایش مولید دنبال می‌شد. از اهداف مهم این قانون ترویج فرهنگ ازدواج آسان و فرزندآوری و تربیت فرزند و اعطای تسهیلات و امکانات جهت ترویج ازدواج می‌باشد.

ز) سند ملی حقوق کودک و نوجوان ۱۳۹۷/۱/۲۱

مطابق ماده ۳ در این سند دولت موظف است تمهیدات و تدابیر لازم برای فرزندآوری و سلامت باروری را فراهم کند. در ماده ۵ به حقوق خانوادگی کودک تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که دولت باید از خانواده در مقابل زمینه‌های بروز ضعف و ازهم پاشیدگی حفاظت کند و نیز از رشد کودک و نوجوان در خانواده حمایت نماید. در ماده ۶ نیز به برخورداری کودک از حق سلامتی تأکید دارد و بیان می‌کند والدین و دولت باید در جهت مراقبت‌های دوران بارداری و حفظ سلامت جنین اقدامات لازم را انجام دهند. در این قانون به حق کودک بر تفریح و شادی و حق بر آموزش نیز تأکید شده است.

تحلیل و نقد قوانین این دهه

در دهه ۹۰ شمسی، سیاست‌های جمعیتی ایران وارد مرحله‌ای تازه شد؛ مرحله‌ای که از سیاست کنترل مولید عبور کرده و به سمت تقویت نرخ باروری و حمایت از خانواده حرکت نمود. مصوبات این دهه با محوریت اسناد بالادستی و قوانین حمایتی متعدد، کوشیدند تا پاسخگوی نگرانی‌های ناشی از روند کاهش جمعیت و افزایش سالمندی باشند. با این حال، هرچند این قوانین از حیث جهت‌گیری کلان قابل تقدیرند، اما در اجرا و انسجام ساختاری دچار چالش‌ها و خلأهای مهمی هستند.

«قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده» (۱۳۹۲) در واقع بازگشت از سیاست تحدید نسل است. این قانون محدودیت‌های فرزند سوم و چهارم را حذف و امتیازات شغلی و بیمه‌ای را به والدین چندفرزند اعطا کرد. نکته مثبت آن، امکان بازنگری سیاست‌ها در بازه‌های پنج‌ساله بر اساس سرشماری‌هاست که انعطاف لازم برای سیاست‌گذاری جمعیتی را فراهم می‌کند.

با این حال، مصوبات در سطح شعار و سیاست‌گذاری کلان باقی مانده و فاقد نظام نظارت و ارزیابی عملکرد هستند. مثلاً سند ۱۳۹۱ یا سیاست‌های کلی جمعیت ۱۳۹۳ با وجود جامعیت، شاخص‌های سنجش تحقق اهداف را تعیین نکرده‌اند. دوم، بیشتر

مناسب برای زنان به ویژه در دوره بارداری و شیردهی و تحت پوشش قرار دادن هزینه‌های زایمان تأکید دارد.

همچنین این مصوبه به درستی به بحث مهم آمایش سرزمینی در راستای افزایش جمعیت تأکید می‌کند؛ چراکه مهم‌ترین نکته در برنامه‌های افزایش جمعیت توجه به ظرفیت‌های زیستی و جغرافیایی کشور می‌باشد و جمعیت باید متناسب با این ظرفیت‌ها بازتوزیع شود. از دیگر نکات قابل توجه، پرداختن به مسئله فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مطلوب می‌باشد. همچنین به ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی به منظور ایفای هرچه بهتر نقش مادری و همسری اشاره دارد. از مهم‌ترین نوآوری‌های مصوبه، عدم دخالت در تعداد فرزندان می‌باشد و صرفاً در تلاش است با آگاه‌سازی فرهنگی در جهت پیشبرد اهداف جمعیتی مؤثر واقع شود.

ه) منشور حقوق شهروندی ۱۳۹۵/۹/۲۹

مطابق این منشور تمامی شهروندان حق تشکیل خانواده و ازدواج آسان مبتنی بر ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی را دارند. همچنین باید از تمامی امکانات آموزشی و پزشکی و بهداشتی لازم برای امر ازدواج بهره‌مند گردند. بر اساس این منشور، زنان حق دارند از تغذیه سالم در دوران بارداری و زایمان سالم و مراقبت‌های بهداشتی پس از زایمان و نیز از مرخصی زایمان بهره‌مند شوند. منشور مذکور به حمایت و ترغیب جوانان به امر ازدواج و تشکیل خانواده پرداخته است و تأکید می‌کند که باید برای خانواده‌ها تسهیلات مسکن با قیمت ازران فراهم گردد. زنان نیز باید از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی و مشاوره در مراحل مختلف زندگی مخصوصاً در دوره بارداری و زایمان و پس از زایمان برخوردار شوند.

و) قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶/۱/۱۶

در ماده ۷۵ این قانون گواهی انجام غربالگری در شبکه‌های بهداشت و درمان جهت ثبت ازدواج دائم لازم است. هدف از این کار شناسایی ازدواج‌های پرخطر و اختلالات ژنتیکی می‌باشد. این قانون دولت را مکلف می‌کند تا زمینه سازی مناسب جهت کاهش سن ازدواج انجام دهد و به آگاه‌سازی خانواده‌ها و منع نشر برنامه‌های مخل ارزش‌های خانواده در جهت تحکیم بنیان

قوانین تصویب شده دارای ماهیت توصیه‌ای و غیرالزام‌آور هستند؛ در نتیجه، دستگاه‌ها در اجرای آنها سلیقه‌ای عمل می‌کنند. سوم، بخش عمده سیاست‌ها بر جنبه‌های فرهنگی و ارزشی تکیه دارد و کمتر به زیرساخت‌های اقتصادی - مانند اشتغال پایدار، تأمین مسکن و حمایت از معیشت خانواده‌های پرجمعیت - پرداخته است.

این قوانین فاقد پشتوانه مالی پایدار هستند؛ بسیاری از مواد حمایتی به دلیل عدم تأمین بودجه مسکوت می‌مانند. ، تبعیض در بهره‌مندی از حمایت‌ها (میان کارمندان رسمی، بخش خصوصی، و زنان خانه‌دار) مانع تحقق عدالت جمعیتی شده است. همچنین ضعف در آموزش و فرهنگ‌سازی خانواده‌ها و نبود برنامه رسانه‌ای هماهنگ، باعث شده سیاست‌ها به تغییر رفتار منجر نشوند

در نهایت، می‌توان گفت سیاست‌های جمعیتی دهه ۹۰ از حیث جهت‌گیری، گامی رو به جلو و بازگشت به نگاه راهبردی نسبت به جمعیت است، اما برای تحقق عملی اهداف خود نیازمند قانونگذاری الزام‌آور، بودجه‌ریزی مشخص، هماهنگی نهادی و نظارت مستمر بر اجرای مصوبات است.

رویکرد دولت در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

همان‌طور که گفته شد سیاست‌های تقنینی باید متناسب با مکان و زمان وضع شوند. حال که تمامی سیاست‌های جمعیتی ایران را بیان کردیم به بررسی جدیدترین قانون، یعنی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می‌پردازیم و در رابطه با ابعاد مثبت و منفی این قانون بحث خواهیم کرد و در آخر هم به بیان سیاست‌های جمعیتی در کشورهای دیگر و نحوه ضرورت‌سنجی و قانونگذاری آنان خواهیم پرداخت: از جمله اقدامات دولت ایران برای افزایش جمعیت، پیشنهاد طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت می‌باشد. در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی به مجلس تقدیم شد. این طرح در روز سه شنبه ۲۶ اسفند ماه ۹۹ توسط مجلس شورای اسلامی به صورت آزمایشی برای مدت ۷ سال، با رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع تصویب شد و برای تأیید به شورای نگهبان فرستاده شد. شورای نگهبان به دلیل وجود برخی مغایرت‌ها با اصول قانون اساسی و برخی ابهامات سه مرتبه این

طرح را رد کرد و سرانجام در تاریخ ۲۴ آبان ۱۴۰۰ این طرح برای بار چهارم به شورای نگهبان داده شد و مورد تأیید قرار گرفت. این قانون همان‌طور که بیان شد به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی به صورت آزمایشی و فوری تصویب شد. مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی سمت نمایندگی قابل واگذاری به دیگری نیست و قائم به شخص می‌باشد. بر این اساس مجلس حق ندارد که اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، اما می‌تواند وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل ۷۲ قانون اساسی در موارد ضروری به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض نماید. قوانین در مدتی که مجلس معین کند آزمایشی اجرا می‌شود و در نهایت نیز مجلس باید آن قوانین را تصویب نماید. همان‌طور که از متن قانون اساسی پیداست، در اصل ۸۵ صلاحیت مجلس به موارد ضروری و تنها برای برخی قوانین محدود شده است، اما تشخیص ضروری و تنهایی برای آن وجود ندارد.

برای قانونگذاری آنچه که بسیار ضروری می‌باشد، شفافیت است. در واقع، قانونگذاری در صحن علنی سبب شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات و از همه مهم‌تر مشروعیت‌بخشی قوانین می‌شود که منجر به آگاهی مردم از دلایل اتخاذ تصمیمات قانونگذاری و ضرورت وجود قانون در کشور خواهد شد که این مسئله پذیرش و اجرای هرچه بیشتر و بهتر قانون توسط مردم و مشارکت همگانی در این امر را در پی خواهد داشت.

این شفافیت تا حدودی از علنی کردن بحث‌های نمایندگان هنگام تصویب قانون به دست می‌آید. متأسفانه اصل ۸۵ شدن قوانین و تصویب آزمایشی به صورت تفویض اختیار به کمیسیون‌های داخلی حق آگاهی نسبت به تصویب قانون و مذاکرات صورت گرفته در مجلس را از شهروندان می‌گیرد و این برخلاف اصل ۶۹ قانون اساسی می‌باشد که گفته شده است: مذاکرات مجلس باید به صورت علنی انجام شود و از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای مردم گزارش شود. بنابراین، اصل ۸۵ شدن قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت سبب شد تا رسانه‌ها و شهروندان از حضور در کمیسیون‌های مربوطه محروم شوند و صورت‌جلسات مجلس با وجود ثبت و ضبط در قسمت بایگانی باقی بماند و این مسئله راه فراری برای مجلس خواهد بود تا بتواند به دور از انظار عمومی و رویارویی با افکار عموم در پشت درهای بسته قوانین مورد نظر خود را تصویب نماید. در اینجا ابتدا

۱۰ درصد از بودجه تولیدات خود را به ترویج فرزندآوری و تحکیم بنیان خانواده اختصاص دهد. همچنین، وزارت آموزش و پرورش موظف است محتوای کتب درسی را بازنگری کرده و آموزش مهارت‌های زندگی، ارزش‌های خانواده و پیامدهای منفی کاهش جمعیت را در محتوای آموزشی بگنجانند.

علاوه بر این موارد، این قانون در حوزه اشتغال و مسکن نیز تدابیر حمایتی ویژه‌ای دارد. به طور مثال، تسهیلات ویژه مسکن برای خانواده‌هایی که دارای سه فرزند و بیشتر هستند، اختصاص یافته و ۷۰ درصد از منازل سازمانی در اختیار کارمندان دارای سه فرزند یا بیشتر قرار می‌گیرد. همچنین مشوق‌های خاصی همچون اولویت اعطای زمین و تسهیلات بلندمدت مسکن برای خانواده‌های پرجمعیت پیش‌بینی شده است (CriminalLawTeach, 2023).

قانونگذار با درک چالش‌های اقتصادی و اجتماعی، در سال ۱۴۰۲ شمسی (۲۰۲۳ میلادی) اصلاحاتی در این قانون اعمال کرد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به الحاق ماده ۷۱ مکرر اشاره کرد. این اصلاحیه محدودیت‌های مرتبط با بدهی‌های بانکی را در دریافت تسهیلات کاهش داده و بانک‌ها را موظف به ارائه تسهیلات حتی در صورت وجود بدهی، با شرایط تقسیمی آسان‌تر کرده است (RC.Majlis, 2023).

بنابراین، به صورت خلاصه می‌توان گفت، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با اتخاذ رویکردی جامع در استفاده از مشوق‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و درمانی تلاش کرده است نرخ باروری را افزایش دهد.

نقدها و چالش‌های قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

با آنکه قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» با هدف تقویت بنیان خانواده تصویب شد. با این حال، برخی مواد این قانون دارای ابهاماتی است که در تحقق اهداف آن می‌تواند اختلال ایجاد کنند.

یکی از نقدهای مهم به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تمرکز تک‌بعدی آن بر مادران شاغل یا دانشجو است؛ در حالی که بخش عمده زنان متأهل در کشور خانه‌دار هستند و از حمایت‌های کافی برخوردار نمی‌شوند. بر اساس آمار، تنها ۱۱٫۸ درصد از زنان شاغل هستند و از میان بیش از ۲۱ میلیون زن متأهل، تنها حدود دو میلیون نفر در بازار کار حضور دارند و بیش از ۱۷ میلیون نفر خانه‌دار هستند.

یکی از مصادیق این رویکرد، ماده ۱۷ قانون است که به

به توضیح و سپس به نقد برخی بخش‌های این قانون پرداخته می‌شود.

مفاد قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در حوزه جمعیت و خانواده است که با هدف مقابله با روند کاهش نرخ باروری و افزایش جمعیت جوان کشور به تصویب رسید.

این قانون مشتمل بر ۷۳ ماده و ۸۱ تبصره است و سیاست‌های آن در چهار محور اساسی طراحی شده است: مشوق‌های اقتصادی و مالی، حمایت‌های بهداشتی و درمانی، تسهیلات فرهنگی و آموزشی و مقررات حمایتی در حوزه مسکن و اشتغال.

یکی از محورهای اصلی این قانون، ارائه مشوق‌های مالی و اقتصادی برای حمایت از خانواده‌ها و ترغیب به فرزندآوری است. طبق مواد قانونی، تسهیلات متعددی برای ازدواج و تولد فرزند پیش‌بینی شده است؛ از جمله اعطای وام قرض‌الحسنه ازدواج تا سقف ۲۰۰ میلیون تومان برای زوج‌های زیر ۲۵ سال و وام ۱۴۰ میلیون تومانی برای سایر متقاضیان. همچنین وام فرزندآوری از ۱۰ میلیون تومان برای فرزند اول تا ۵۰ میلیون تومان برای فرزند پنجم و بیشتر تعیین شده است.

علاوه بر این، برای هر فرزندی که از سال ۱۴۰۰ به بعد متولد شود، مبلغی به‌صورت سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بورسی اختصاص می‌یابد که هر سال متناسب با نرخ تورم افزایش می‌یابد. در حوزه مسکن نیز، خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر از وام‌های کم‌بهره مسکن، اولویت در دریافت زمین و واحدهای سازمانی برخوردار می‌شوند (CriminalLawTeach, 2023).

در بخش حمایت‌های بهداشتی و درمانی، تمرکز بر سلامت مادر و کودک و بهبود شاخص‌های بهداشت باروری است. در این قانون، ارائه بسته‌های تغذیه‌ای و بهداشتی برای مادران باردار و کودکان زیر پنج سال پیش‌بینی شده است. همچنین، درمان ناباروری برای زوجین تحت پوشش کامل بیمه قرار گرفته و وزارت بهداشت مکلف شده است که زیرساخت‌های درمان ناباروری را در سراسر کشور توسعه دهد (V-Darman, 2022).

در بُعد فرهنگی و اجتماعی، قانون تلاش می‌کند با تغییر نگرش عمومی به سمت ازدواج و فرزندآوری حرکت کند. بر اساس ماده‌ای از این قانون، صدا و سیما مکلف شده است حداقل

همچنین در ماده ۲۵ قانون است که سازمان ثبت‌احوال کشور را موظف می‌سازد تا کارت شناسایی ویژه‌ای برای مادران دارای سه فرزند یا بیشتر صادر کند. این کارت پنج سال اعتبار دارد و امتیازاتی دارد؛ از جمله:

- استفاده نیم‌بها از اماکن تاریخی، فرهنگی و موزه‌های وابسته به وزارت میراث فرهنگی و سایر دستگاه‌های اجرایی.
- تخفیف در خدمات حمل‌ونقل عمومی شهری و تعرفه‌های فرهنگی، ورزشی و تفریحی شهرداری‌ها.
- تخفیف بیست‌درصدی در دوره‌های آموزشی و هنری قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و استفاده نیم‌بها از بلیت سینماها.

با وجود اهداف مثبت در ماده ۲۵، اما در این ماده تبعیض جنسیتی و حذف نقش پدر ایفا شده است؛ زیرا استفاده انحصاری از واژه «مادر» و بی‌توجهی به نقش پدر در بهره‌مندی از امتیازات است. قانون روشن نکرده است که اگر پدر همراه فرزندان به اماکن مشمول تخفیف مراجعه کند، آیا امکان استفاده از مزایای کارت را دارد یا خیر (Mohaghegh Damad, 2023).

علاوه بر این، ارزیابی عملکرد قانون در مطالعه‌ای مبتنی بر ممیزی اجتماعی نشان می‌دهد که کمبود منابع مالی، ضعف هماهنگی بین دستگاه‌ها و نبود نظارت دقیق از مهم‌ترین موانع موفقیت اجرای این قانون هستند (Hosseini Saadi & Sadeghi, 2024).

برای رفع برخی از این چالش‌ها، در تیرماه ۱۴۰۲ (ژوئیه ۲۰۲۳) اصلاحیه‌ای با عنوان الحاق ماده ۷۱ مکرر تصویب شد که بانک‌ها را مکلف می‌کند، حتی در صورت بدهی متقاضیان، با دریافت بخشی از بازپرداخت و پذیرش تضمین‌های جایگزین، تسهیلات را پرداخت کنند (RC.Majlis, 2023).

بحث و نتیجه‌گیری

از منظر حقوقی و اجتماعی، افزایش جمعیت به‌منزله‌ی ابزاری راهبردی برای حفظ اقتدار سیاسی، توسعه اقتصادی و صیانت از هویت فرهنگی-دینی جامعه اسلامی تلقی می‌شود. کاهش نرخ باروری در ایران، که از ۶٫۴ فرزند به‌ازای هر زن در سال ۱۳۶۵ به ۱٫۶ در سال ۱۳۹۰ رسیده است، زنگ خطری جدی برای آینده جمعیتی و پویایی ساختارهای اقتصادی، دفاعی و علمی کشور است. این روند ادامه یابد، کشور با پدیده‌هایی چون سالمندی، کاهش نیروی کار، و تضعیف قدرت راهبردی مواجه خواهد شد.

حمایت از مادران شاغل می‌پردازد و افزایش مرخصی زایمان به ۹ ماه، تضمین امنیت شغلی در دوره بارداری، زایمان و شیردهی و الزام اجرای این احکام در تمام بخش‌های دولتی و غیردولتی را مقرر کرده است. با این حال، این حمایت‌ها ضمانت اجرایی کافی ندارند و در عمل، کارفرمایان می‌توانند به‌راحتی از اجرای آن خودداری کنند. تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که حتی در قوانین مشابه، بسیاری از زنان به دلیل استفاده از مرخصی زایمان، با اخراج یا فسخ قرارداد مواجه شده‌اند.

بنابراین، ماده ۱۷ قانون جوانی جمعیت عملاً تنها شامل کارمندان رسمی دولت و زانی می‌شود که قراردادهای قانونی و شفاف دارند؛ در حالی که برای زنان فاقد قرارداد یا شاغلان غیررسمی، مزایای حمایتی پیش‌بینی شده کارآمد نخواهد بود (kazemi, 1400).

همچنین با توجه به مشکلات اقتصادی می‌توان حکم به ناکافی بودن حمایت‌ها کرد. مطالعات عملیاتی تأکید دارند که مشوق‌های مالی این قانون در مقایسه با هزینه‌های واقعی فرزندآوری (مانند زایمان، نگهداری، تحصیل، مسکن) بسیار پایین هستند و نمی‌توانند عاملی مؤثر برای ترغیب به فرزندآوری باشند.

علاوه بر آن، فقدان مراکز نگهداری کودکان مؤثر و قابل دسترس، به‌ویژه برای زنان خانه‌دار، مشکل مضاعفی ایجاد می‌کند؛ زیرا خدمات مراقبتی مؤثر در جامعه بسیار کم است.

نقد قابل توجه دیگری بر این قانون، گرایش آن به استفاده از ابزارهای کیفری است. جرم‌انگاری رفتارهایی مانند عقیم‌سازی، سقط درمانی، و توزیع وسایل پیشگیری بدون ضابط قانونی، به جای تقویت ابزارهای پیشگیری غیر کیفری، مورد انتقاد قرار گرفته است. از جمله، ماده ۶۱ قانون مجازات سنگینی مانند اعدام برای «افساد فی‌الارض» را برای رفتارهایی تعیین کرده است که معمولاً تحریم کیفری شدید ندارند؛ این تناقض با اصول حقوق کیفری و محروم کردن از امکان اصلاح را نشان می‌دهد. همچنین، ایهامات در تعابیر قانونی مانند «عمده»، «گسترده»، «وسیع»، «عوامل مؤثر» مشکلات اجرایی و عدالتی ایجاد می‌کند (Roustaie & Moghaddasi, 2021) و همچنین این قانون با محدود کردن عرضه دولتی وسایل پیشگیری و سقط درمانی، دسترسی افراد به خدمات سلامت باروری را کاهش می‌دهد. این امر به افزایش بیماری‌های مقاربتی، سقط غیر قانونی و آسیب‌های اجتماعی منجر خواهد شد.

اقتصادی بدون پوشانه روبه‌روست.

پیشنهاد می‌شود برای جبران این خلأها، دولت باید سیاست‌های خود را بر سه محور استوار سازد: نخست، تقویت ضمانت‌های اجرایی و بودجه‌ای برای اجرای مؤثر قوانین؛ دوم، گسترش حمایت‌های اجتماعی از خانواده‌ها، به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد، زنان خانه‌دار و کارگران بخش خصوصی؛ سوم، ایجاد نهادهای نظارتی و فرهنگی برای تغییر نگرش جامعه نسبت به ازدواج و فرزندآوری. تنها در سایه چنین برنامه‌ریزی یکپارچه‌ای می‌توان انتظار داشت که سیاست‌های جمعیتی به هدف نهایی خود؛

یعنی پایداری ساختار جمعیت و تقویت اقتدار ملی، دست یابند. در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که سیاست‌های جمعیتی موفق، تنها با تکیه بر افزایش کمی جمعیت محقق نمی‌شوند، بلکه مستلزم برنامه‌ریزی کیفی، ایجاد زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و اقتصادی و هماهنگی میان قوانین و فرهنگ جامعه هستند. تجارب بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که توازن میان رشد جمعیت و توسعه پایدار، کلید حفظ قدرت ملی، امنیت و رفاه اجتماعی است. بنابراین، تقویت نهاد خانواده، حمایت هدفمند از فرزندآوری و ارتقای کیفیت زندگی، محورهای اصلی تحقق اهداف جمعیتی کشور محسوب می‌شوند.

مطالعه حاضر با بررسی روند قوانین جمعیتی از دهه ۶۰ تا امروز نشان می‌دهد که ایران از فقدان «رویکرد جامع، پایدار و مبتنی بر عدالت جمعیتی» رنج می‌برد. برنامه‌های دهه ۸۰ و ۹۰ نوعی تشویق اقتصادی غیرمستقیم محسوب می‌شد. با این حال، این مجموعه قوانین بیشتر واکنشی، مقطعی و فاقد برنامه‌ریزی جامع و هماهنگ میان دستگاه‌های اجرایی بود. رویکردها در این دوره، بیشتر رفاهی و نمادین بوده‌اند تا ساختاری و پایدار. هیچ‌یک از قوانین مزبور به مسئله‌ی ریشه‌ای کاهش نرخ باروری و پیامدهای بلندمدت آن بر ساختار سنی جمعیت نپرداختند.

در ادامه و برای جبران همین کاستی‌ها، در قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» ۱۴۰۰ به تصویب رسید که نسبت به قوانین پیشین، جامع‌تر و چندبعدی‌تر است. این قانون ضمن ادغام رویکردهای اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی، ساختار جدیدی برای سیاست‌گذاری جمعیتی ایجاد کرده است. از جمله نقاط قوت آن، افزایش حمایت‌های مالی و بیمه‌ای از خانواده‌ها، گسترش مرخصی زایمان، ایجاد ستاد ملی جمعیت و تأکید بر آمایش سرزمینی در توزیع جمعیت است. با این حال، این قانون نیز با چالش‌هایی چون اجرای آزمایشی بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، محدودیت منابع مالی، و تمرکز بیش از حد بر مشوق‌های

References

- Abbasi-Shovazi, M. J. (2019). *Demographic Developments in Iran: Challenges and Opportunities*. Tehran: University of Tehran Press (in Persian).
- Alaei-Novin, F., & Al-Rasul, S. (2014). "Re-examining Jurisprudential Approaches in Family Planning and Population Control". *Journal of Fiqh & Islamic Law*, 38, pp. 135–156 (in Persian).
- Asadi, L. S., & Zibihi, A. (2015). "Entry of criminal law into the family domain and the quality of enforcement of its norms". *Taali-e Hoquq*, 3, pp. 41–68 (in Persian).
- Barahani, M. (2017). "Criminalization of Human Rights: From Genuine Moral Necessities to Autonomy". *Journal of Human Rights Studies*, 19, pp. 105–120 (in Persian).
- Barahani, M. (2017). *Ethics and Criminal Law*. Tehran: Institute for Culture and Islamic Thought Publications (in Persian).
- Barahani, M. (no date). *The Impact of Ethical Theories on Criminal Law (With an Emphasis on Iranian Law)*. Publisher unknown (in Persian).
- Barahani, M., & Boshri-Mohammadi-Far, M. (2016). "Criminal Perfectionism". *Studies in Criminal Law and Criminology*, 2, pp. 173–194 (in Persian).
- Beigi, J., & Teymouri, M. (2023). "Criminalization of Behaviors Contrary to Population Growth and Childbearing in the Law". *Population and Progress Quarterly*, 1(2), pp. 147–163.
- Bloom, D. E., Canning, D., & Fink, G. (2020). "Implications of population aging for economic growth". *Oxford Review of Economic Policy*, 36(3), pp. 531–554.
- Bloom, D. E., Canning, D., & Sevilla, J. (2003). *The demographic dividend: A*

- new perspective on the economic consequences of population change*. RAND Corporation.
- Hart, H. L. A. (2010). *Freedom, Ethics, and Law* (M. Rasekh, Trans.; Vol. 2). Tehran: Nashr-e Ni (in Persian).
- Hart, H. L. A. (2013). *The Concept of Law* (M. Rasekh, Trans.; Vol. 1). Tehran: Nashr-e Ni (in Persian).
- Lee, R., & Mason, A. (2017). *Population aging and the generational economy: A global perspective*. Edward Elgar Publishing.
- Mahdadi, M. S., & Aghdasi, F. (2023). "The Absence of the Father's Position in the Family Support and Youthful Population Law". *The Journal of Woman & Family Studies*, 11(3), pp. 164–182 (in Persian).
- Mahmoudi, M. (2018). "Review of Socioeconomic Factors Reducing Fertility Rate in Iran". *Iranian Social Studies Journal*, 10(2) (in Persian).
- Mahmoudi-Janki, F. (2004). "Criminal Protection of Morality". In *Criminal Sciences: Collected Papers Honoring Prof. Mohammad Ashuri*, Vol. 1, pp. 765–800 (in Persian).
- Mahmoudi-Janki, F. (2007). "Philosophical Basis of Legal and Criminal Prohibition of Self-Harm: Case Study—Compulsory Use of Seatbelt and Helmet in Driving". *Hoqooq Quarterly*, 37(1), pp. 157–117 (in Persian).
- Mahmoudi-Janki, F., & Roostaei, M. (2013). "Justification of Criminal Intervention: Principles and Necessities". *Criminal Law Research*, 2, pp. 35–66 (in Persian).
- Maqdasi, M. B., & Roostaei, M. (2021). "Population Increase through Criminal Interventions: A Look at the Process of Enacting and Challenges in Implementing the Family Support and Youthful Population Law". *Amoozeshaye Hoquq-e Keyfari*, 22, pp. 258–312 (in Persian).
- Meadows, D. H., Randers, J., & Meadows, D. L. (2004). *Limits to growth: The 30-year update*. Chelsea Green Publishing.
- Nobahar, R. (2011). "Principle of Minimal Application of Criminal Law". *Amoozeshaye Hoquq-e Keyfari*, 1, pp. 91–114 (in Persian).
- RC. Majlis. (2023). *Amendment of the Family Support and Youth Population Law*. Retrieved from <https://rc.majlis.ir>
- Rostami, H. (2014). "Criminalization and Penalization in Light of Liberty-Restricting Principles in Liberal Theory". *Criminal Law Research*, 1, pp. 55–81 (in Persian).
- Samani, H., & Shariyari, M. (2020). "Evaluating the Approach of Laws and Upstream Documents toward the Qualitative Dimension of Population Increase". *Population Studies*, 12, pp. 315–337 (in Persian).
- Taheri, H. (2002). "Population Control from the Perspective of Islamic Jurisprudence and Law". *Journal of Qom Higher Education Complex*, 12, pp. 103–132 (in Persian).
- Todaro, M. P., & Smith, S. C. (2020). *Economic development* (13th ed.). Pearson.
- V-Darman. (2022). *Family and Youth Population Support Act Overview*. Retrieved from <https://v-darman.mums.ac.ir>
- World Health Organization. (2020). *World health statistics 2020*. World Health Organization.